

می پرسند چه حکمتی است که گاه کسی مفتون و دلبرده دیگری میشود که تاکنون او را ندیده است. فرزندی دارم که محو کسی شده است و چنان شیفته شده که گاه نمازش را شکار کرده است. آیا این به دین لطمه نمیزند؟

؟ _____

درود بر شما و فرزند شما و عاشقی فرزند شما به نظر می رسد که این شیدائی فرزند شما که دین دار است حقیقی است و هوس نیست. حالا که چنین است بدانید که دین یعنی عاشقی بر حقیقت مطلق عالم که خداوند رحمان است. میگویید در نمازش شک فراوان میکند نمیداند چند رکعت خوانده است. درود فروان بر این فرزند عاشق حقیقت. پس این فرزند شما مجنون است لیلی او کیست؟ مولانا گوید

چو وضو ز اشک سازم بود آتشین نمازم - در مسجدم بسوزد چو بدو رسد اذانی

رخ قبله ام کجا شد که نماز من قضا شد - عجا نماز مستان تو بگو درست هست آن

که نداند او زمانی نشناسد او مکانی - عجا دو رکعت است این عجا که هشتمین است

میگوید مجنون که نماز می خواند با انگشت رکعت را می شمرد که اشتباه نشود دورکت که میخواند شک میکرد که دو تا خوانده یا هشت رکعت چون ده انگشت از یک طرف هشت میشود و از یک طرف دو

این کشف مهم بوده است که دین عشق است و ستایش زیبایی. اگر کمال مطلق دل را ربود بدانید که دیندارید این دلبرده شدن همان عاشقی و دین داری است.

پس اگر کسی مفتون زیبایی دیگری شد بداند که این زیبایی جزئی از آن زیبایی مطلق است که خاک آلوده شده

هر کسی پیش کلوخی سینه چاک - وان کلوخ از حسن آمد جرعه ناک. چون ما از خاک هستیم

باده خاک آلودتان مجنون کنید - صاف اگر باشد ندانم چون کند

مشت خاکی که زیباست چون آدم از خاک است این خاک افراد را سینه چاک میکند حالا اگر زیبایی بدون خاک و صاف باشد چه میکند یعنی اگر حسن خالق مطلق بود چه میشد. ما ستایشگر همین زیباییهای جزئی در دیگران هستیم اما در حقیقت و ندانسته آن حقیقت مطلق را ستایش میکنیم